

بررسی و نقد ترجمه‌های پیشین و کشف توانمندی‌ها و کاستی‌های احتمالی آنها به منظور دستیابی به ترجمه‌ای جامع و مطلوب از قرآن کریم همواره لازم و راهگشاست. در این راستا، مقاله حاضر به بررسی اجمالی ترجمه‌ای از قرآن به زبان آلمانی از رودی پارت،^۱ قرآن پژوه و مترجم مشهور آلمانی، پرداخته است. در این بررسی که بر محور صحت و دقت ترجمه مذکور صورت گرفته، مشخص می‌شود که روش مترجم - که ابتکاری نیز هست - در رسیدن به ترجمه‌ای درست، دخیل بوده است. در آغاز به خلاصه‌ای از حیات علمی مترجم اشاره رفته و آن‌گاه در بحث اصلی به نقاط قوت و سپس به کاستی‌های ترجمه پرداخته شده است. تأثیر دانش فقهی و کلامی در بروز این نقاط قوت و ضعف به خوبی آشکار است.

◆ مقدمه

آمارهای موجود نشان می‌دهد که تا یک دهه قبل، کتاب مقدس به ۱۹۲۸ زبان مختلف ترجمه شده، در حالی که سهم ترجمه‌های کامل قرآن تا سال ۹۵ میلادی تنها ۷۰ زبان رایج دنیا بوده است.^۲ این ارقام ضمن این که نشانگر رویکرد گسترده بشر به کلام آسمانی است، رسالت ما را برای شناختن و شناساندن این کتاب به جهانیان یادآوری می‌کند. طبق یک برآورد، تا کنون حدود ۲۰ ترجمه کامل از قرآن به زبان آلمانی انجام گرفته که با

۱. Rudi Paret, *Der Koran*, Stuttgart, Kohlhammer, 1962.

۲. نقدی، محمد؛ فردا دیر است، ترجمان وحی، شماره ۴، اسفند ۷۷.

توجه به جغرافیای این زبان رقم چشمگیری است. ضمن این که تعداد زیادی ترجمه گزیده و ناقص ارائه شده که از جمله می توان ترجمه زیبا و آهنگین فریدریش روکرت^۱ را نام برد. از طرفی نیز قرآن پژوهان و مترجمان آلمانی آثار مهمی از خود برجای گذاشته اند که به دلیل جایگاه آنها نزد اسلام شناسان و شرق شناسان مغرب زمین لازم است مورد مطالعه قرار گیرند.

شناخته شده ترین ترجمه از قرآن به زبان آلمانی ترجمه رودی پارت است. این ترجمه از زمان انتشار (دهه شصت) تا کنون بارها در کشورهای مختلف تجدید چاپ شده است و به نظر برخی قرآن پژوهان آلمانی، از لحاظ اعتبار علمی، در مقایسه با ترجمه های پیشین ترجمه ای ممتاز به شمار می رود.^۲ از جمله ترجمه هایی که پیش از ترجمه رودی پارت انجام گرفته، ترجمه شوایگر^۳ (۱۶۲۳م)، مگرلاین^۴ (۱۷۷۲م)، اولمان^۵ (۱۸۴۰م)، هنینگ^۶ (۱۹۰۱م) و گلدشمیت^۷ (۱۹۱۶م) است.

هلموت گیت یه، محقق آلمانی و نویسنده کتاب قرآن و تفاسیر قرآنی، از بین ترجمه های یاد شده تنها ترجمه ماکس هنینگ را قابل استفاده و استناد می شمرد.^۸

رودی پارت متولد ۱۹۰۱ در ویتن دورف آلمان، پس از گرفتن درجه دکترا به تدریس اسلام شناسی در دانشگاه توپینگن پرداخت و در ۱۹۴۰ کرسی استادی دانشگاه بن را کسب نمود. او که از استادان برجسته زبان و ادبیات عرب بود، نزد اسلام شناسان غربی به عنوان یک قرآن پژوه شناخته شد. کتاب محمد و قرآن، اثر وی، از منابع معتبر اسلام شناسی در غرب است. با این حال، ترجمه و تفسیر و واژه نمای او از قرآن، از خدمات ماندگار وی محسوب می شود. با نگاهی به حیات علمی او می بینیم، زمانی که هنوز ترجمه ریچارد بل و رژی بلاشر در اروپا منتشر نشده بود، وی در سال ۱۹۳۵، طرح ترجمه ای نوین، علمی و همراه

1. Friedrich Rückert.

2. Gätje, Helmut, «Zur Koranübersetzung von Rudi Paret», *aus Bustan* (Österreichische Zeitschrift), 6-1965.

3. Schweiger.

4. Megerlein.

5. Ulman.

6. Henning.

7. Goldschmidt.

8. Gätje, Helmut, *id*, p.35.

با تفسیر کوتاه را ارائه کرد. در سال ۱۹۵۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «مرزهای قرآن پژوهی»^۱ طرح خود را دنبال کرد و با نگاهی به تلاش دو مترجم یاد شده به برخی از دشواری‌های فنی ترجمه قرآن اشاره کرد. سرانجام در ۱۹۶۶ ترجمه قرآن را به پایان رسانید. پارت در مقدمه ترجمه خود تصریح نموده که از ترجمه‌های پیشین استفاده نکرده است،^۲ و این نشانه پشتکار و روحیه پژوهشگر اوست.

نکته‌ای که بیش از هر چیز به ترجمه پارت امتیاز می‌بخشد، فهم دقیق آیات قرآن و ترجمه آنهاست.^۳ این شیوه که در قرآن پژوهی با عنوان «فهم قرآن با قرآن» شناخته شده،^۴ در تفسیر قرآن به روش علمای امامیه از اصالت و اعتبار بالایی برخوردار است که نمونه برجسته آن تفسیر المیزان از علامه طباطبایی است. حال، چنانچه بپذیریم ترجمه دست کم در مورد قرآن - نوعی تفسیر موجز است، اهمیت این روش برای دستیابی به ترجمه‌ای درست، روشن می‌شود.

اگر این سؤال مطرح شود که چگونه پارت برای فهم آیات قرآن، از آیات دیگر کمک گرفته است، در پاسخ می‌توان گفت که قرآن از دیدگاه وی قبل از هر چیز یک سند تاریخی از نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.^۵ این مطلب، هم در مقدمه ترجمه و هم در کتاب محمد و قرآن او مورد تأکید قرار گرفته است. لذا مترجم بر این عقیده است که دشواری‌های فهم آیات قرآنی با استناد به سایر آیات حل می‌شود؛ بدین ترتیب که مترجم باید نخست آیاتی را که در لفظ و معنی مشترکاتی دارند بررسی و با هم مقایسه کند و آن گاه معنای آیه را در قالب زبان مقصد بریزد.

◆ ویژگی

دیگر کار پارت خودداری وی از به کارگیری زبان ادبی و شعرگونه است. پارت بر صحت

1. Paret, Rudi, *Grenzen der Koranforschung*, Stuttgart 1960.

2. Paret, Rudi, *Vorwort zu, Der Koran*, Übersetzung von R. Paret, Stuttgart 1966.

۳. همان، ص ۸

۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ فهم قرآن با قرآن، مترجم (ویژه‌نامه ترجمه قرآن)، سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۷۲.

5. Paret, R., *Mohammed und der Koran*, Vorwort, Stuttgart 1957.

ترجمه تأکید نموده و زیبایی الفاظ و جنبه‌های بلاغی آیات را مد نظر قرار نداده است. متن ترجمه در عین روانی، پر از افزوده‌های توضیحی است. برای برخی آیات، علاوه بر ترجمه آیه، ترجمه‌ای تحت اللفظی و گاه ترجمه‌ای احتمالی – همراه با علامت سؤال به نشانه تردید مترجم – آمده که این کار به پیوستگی و انسجام کلام لطمه وارد کرده و گاه خواندن متن را ملال‌آور ساخته است. با این حال، مترجم عقیده دارد که به دلیل تنوع و تغییر بسیار در سبک بیان و انشای قرآن، از به کارگرفتن افزوده‌های توضیحی گریزی نیست.^۱ البته این مطلب با در نظر گرفتن شرایط لازم و سعی در رعایت ایجاز تا حدی درست است. از طرفی، بسیاری از قرآن پژوهان صرف ترجمه آیات را، چه تحت اللفظی و چه آزاد، برای انتقال پیام کافی نمی‌دانند،^۲ از این رو مترجم باید از واژه‌ها و عباراتی به عنوان توضیح بهره‌گیرد. گرچه این مسئله در باب ترجمه قرآن و اصول مربوط به آن مورد اختلاف است، ولی در عمل همه مترجمان بدان تن داده‌اند.

◆ نقاط قوت ترجمه

الف - مشابهات قرآن که شامل ترکیبات، تعبیرات، آیات و ساخت‌های نحوی مشابه است همه به طور یکسان ترجمه شده است. به عنوان مثال، ترکیباتی مانند: «له ملك السموات و الارض» و یا «ما قدمت ایدیهم» و حتی برخی آیات که به طور کامل در سوره‌های مختلف تکرار گردیده، به صورت یکدست به آلمانی ترجمه شده است. رعایت این نکته که به عنوان حفظ امانت در ترجمه محسوب می‌شود،^۳ نشانگر آن است که مترجم، نخست تمامی آیات مشابه و قریب المضمون را بررسی و آنها را با یکدیگر مقایسه کرده و آن گاه دست به ترجمه آنها زده است.

مثال ۱: «فلا تعجبك اموالهم ولا اولادهم انما يريد الله ليعذبهم بها» توبه (۹) ۵۵ و ۸۵.

Du brauchst ihr Vermögen und ihre Kinder nicht zu bestaunen. Gott will sie im diesseitigen Leben damit bestrafen.

1. Paret, Rudi; Vorwort zu *Der Koran*, p.7.

۲. مشکلات و دیدگاه‌ها در ترجمه قرآن، مترجم، سال سوم، شماره دهم.

۳. کریمی‌نیا، مرتضی؛ یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن، ترجمان وحی، شماره اول، شهریور ۱۳۷۶.

مثال ۲: «ولا تبخسوا الناس اشیاء هم» شعراء (۲۶) ۱۸۳؛ اعراف (۷) ۸۵؛ هود (۱۱) ۸۵.

Und zwackt den Leuten nicht ab, was ihnen gehört.

ب- در قرآن، برخی کلمات مترادف، گاه با هم و گاه جداگانه آمده‌اند و در کاربرد، تفاوت ظریفی با هم دارند که از جمله آنها می‌توان «خوف و خشیت»، «خضوع و خشوع» و «رحمن و رحیم» را نام برد. بدیهی است که انتقال این تفاوت به زبان مقصد از دشواری‌های ترجمه قرآن است. به دو مورد از دقت پارت در این زمینه، اشاره می‌شود:

مثال ۱: «انما اشکوا بثی و حزنی الی الله» یوسف (۱۲) ۸۶.

Ich klage meinen gram und meine trauer Gott allein.

لغت‌شناسان، میان «بث» و «حزن» فرق گذاشته‌اند. در قاموس قرآن آمده است: «مراد از «بث» اندوهی است که شخص قادر به کتمان آن نیست و آن را آشکار می‌کند، لذا باید مراد از «حزن» غصه مخفی باشد».^۱ راغب نیز در مفردات همین‌گونه معنی کرده است.^۲ ملاحظه می‌شود که در ترجمه بالا به ترتیب، دو واژه «Gram» و «Trauer» به کار رفته که انتخابی درست و بجاست. در حالی که ماکس هنینگ با انتخاب «Kummer» و «Trauer» از تفاوت ظریفی که میان این دو واژه است غفلت کرده است. مثال ۲: «هوالذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً» یونس (۱۰) ۵.

Er ist es, der die Sonne zur *helligkeit* und den Mond zu *licht* gemacht ... hat.

«ضیاء» و «نور» در یک مورد با هم، و چند بار جداگانه در قرآن آمده‌اند. در کتب لغت و تفسیر، ضیاء به روشنائی گفته می‌شود که ذاتی باشد، مانند نور خورشید، در حالی که «نور» آن است که بالعرض و اکتسابی باشد.^۳ در ترجمه پارت با توجه به کاربرد خاص هر کدام، برای «نور» واژه Licht و برای ضیاء Helligkeit به کار رفته است. همچنین در مواردی که این دو واژه به تنهایی به کار رفته‌اند، در ترجمه آنها دقت به عمل آمده است؛ از جمله سوره انبیاء (۲۱) ۴۸ و سوره قصص (۲۸) ۷۱، که در هر دو مورد هنینگ دچار سهو شده و برای «ضیاء» از

۱. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. مفردات، ص ۱۰۸.

۳. نک: اقرب الموارد، ذیل دو واژه ضیاء و نور.

معادل آلمانی Licht استفاده کرده است.

ج- مترجم هنگام ترجمه اصطلاحات ترکیبی، خود را محدود به ظاهر الفاظ نکرده و برای هر یک معادل مناسب آورده و بدین ترتیب از لغزش‌های پاره‌ای از مترجمان پیشین مصون مانده است. نکته‌ای که در زبان‌شناسی تحت عنوان توجه به نقش‌های دوگانه زبان مطرح است و مترجم باید آن را در نظر بگیرد، یکی نقش انتقالی یا خبری زبان و دیگر نقش ادبی یا تخیلی آن است.^۱

با دو مثال می‌توان به رعایت این اصل در ترجمه پارت پی‌برد:

۱- «فاصبحوا نادمین» شعراء (۲۶) ۱۵۷.

Dann (aber) begannen sie (ihre Tat) zu bereuen

همان طور که می‌دانیم، واژه «اصبح» در آیه بالا کاربرد مجازی دارد و قید زمان نیست. گلداسمیت و هنینگ در ترجمه‌های خود morgens = صبحگاهان آورده‌اند که تحت اللفظی و نادرست است.

۲- «فکنتم علی اعقابکم تنکصون» مؤمنون (۲۳) ۶۶.

معادل: ولی شما پشت کردید Aber hir machtet kehrt

ناگفته نماند که گاهی آقای پارت علاوه بر آوردن ترجمه رسا و درست، ترجمه تحت اللفظی آیه را نیز در پرانتز آورده است که این کار - به رغم توجیه مترجم در مقدمه ترجمه - در برخی موارد از جمله در مثال زیر هیچ ضرورتی ندارد:

۳- «یوم یکشف عن ساق... قلم» (۶۸) ۴۲.

da die Sache brenzlich wird (wörtlich: da die wade entblösst wird)

معادل فارسی: آن‌گاه که هنگامه بالا گیرد (تحت اللفظی: آن‌گاه که ساق پا برهنه گردد).

◆ برخی کاستی‌ها در ترجمه

الف. مسائلی چون عصمت پیامبر، علم پروردگار به افعال بندگان، جبر و اختیار و جز اینها از مباحث مورد اختلاف میان فرق اسلامی به شمار می‌رود، و طبیعی است که هر

۱. نجفی، ابوالحسن، «مسئله امانت در ترجمه»، درباره ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

ترجمه‌ای از قرآن براساس مبانی کلامی مذهب مترجم صورت گیرد. البته گاه برداشت مترجم غیر مسلمان معلول عدم تسلط وی نسبت به اصول اعتقادی اسلام است و در برخی موارد نیز متأثر از تفاسیر مذاهب مختلف است. در چنین مواردی ممکن است ترجمه دچار خطا شود و با نصّ قرآن در تعارض قرار گیرد. در این جا با توجه به اصول مسلم مذهب تشیع، به دو نمونه از خطای مترجم اشاره می‌شود:

مثال ۱- «وليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب» حدید (۵۷) ۲۵.

Auch Gott wollte (...) feststellen (w., wissen) wer ihm und seinen Gesandten im geheimen hilft

معادل فارسی: و خداوند می‌خواست ... پی ببرد (بداند) چه کسی او و فرستادگانش را در نهان یاری می‌کند.

ترجمه بالا موجب شبهه عدم احاطه علم پروردگار است. لذا باید با توجه به سایر آیات کلامی قرآن اصلاح شود. می‌توان با استفاده از فعل سببی lassen ترجمه درست عبارت را به صورت زیر آورد: «تا خداوند معلوم بدارد چه کسی او و فرستادگانش را در نهان یاری می‌کند».

مثال ۲- «فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك...» هود (۱۱) ۱۲.

Vielleicht möchtest du etwas von dem, was dir eingegeben wird, auslassen.

معادل فارسی: شاید دلت می‌خواهد بعضی از آنچه را به تو وحی می‌شود رها کنی. مفهوم این جمله این است که پیامبر در کتمان یا ابلاغ بعضی از چیزهایی که به او وحی می‌شده دغدغه داشته است. همین احتمال در «تفسیر و واژه نمای» مترجم نیز آمده است.^۱ این گونه برداشت از آیه که یادآور افسانه بی‌اساس و دروغین غرانیق^۲ است با مسئله عصمت پیامبر اکرم(ص) و به عبارتی با خود قرآن در تناقض است.

در برخی تفاسیر، از جمله تفسیر نمونه، «لعلك» به «مبادا» ترجمه شده و برخی ترجمه‌های اخیر فارسی نیز از آن پیروی کرده و بدین صورت آورده‌اند: و مبادا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می‌شود ترک گویی...

۱. Paret, R.; *Kommentar und Konkordanz*, Stuttgart 1977, zu betroffenem Vers.

۲. نک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۴۱.

ب. احکام فقهی در مورد نماز، روزه، حج و مانند آن، بخشی از آیات قرآن را در بر می‌گیرد. در بسیاری از موارد حکمی به اجمال صادر شده که تفصیل و شرح آن را «سنت» عهده‌دار است. لذا دانش فقهی مترجم در صحت و قوت ترجمه نقش دارد.
مثال ۱- وکلوا واشربوا حتی یتبئن لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر... بقره (۲) ۱۸۷.

Und esst und trinkt, bis ihr in der Morgendämmerung einen weissen von einem schwarzen Faden unterscheiden Könnt.

معادل فارسی: و بخورید و بیاشامید تا وقتی که در طلوع فجر بتوانید نخ سفیدی را از نخ سیاه تمیز دهید.

منظور از تعبیر کنایی قرآن، پدیدار شدن سپیدی سحر از سیاهی شب است. این دستور فقهی به منظور ارائه یک مقیاس عینی، یعنی استفاده از نخ سیاه و سفید برای تشخیص شروع روزه نیست. لذا در یکی از ترجمه‌های اخیر فارسی، آیه فوق این گونه ترجمه شده است:
و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود.^۱
مثال ۲- «فتیمموا صعیداً طیباً...» نساء (۴) ۴۳

, dann sucht einen sauberen (oder: geeigneten, w. guten) hochgelegenen Platz auf und streicht euch über...

معادل فارسی: در این صورت جای تمیز [یا: مناسب، تحت اللفظی: خوب] و بلندی پیدا کنید و بر چهره و دست‌هایتان بکشید.

عبارت بالا که حکم تیمم را بیان می‌کند، توسط مترجم آلمانی مبهم و نارسا ترجمه شده است. در ترجمه‌های هنینگ و ابن رسول از لفظ «خاک» استفاده شده که گویاتر است.
ج. در پایان، برخی دیگر از موارد سهو در ترجمه پارت را با ذکر شماره آیه یادآور می‌شویم و به دلیل روشن بودن موارد و اختصار کلام از شرح آن صرف نظر می‌کنیم:
- ترجمه شبهه‌انگیز آیات کلامی: بقره (۲) ۲۹؛ آل عمران (۳) ۱۴۲.
- ترجمه مبهم آیه فقهی: بقره (۲) ۲۳۶ و ۲۳۷ در باب پرداخت مهریه زن.

۱. نک: ترجمه استاد فولادوند، سوره بقره، آیه ۱۸۷.

- انتخاب معادل نادرست: بقره (۲) ۲۷۳ برای کلمه «جاهل»؛ بقره (۲) ۲۱۵ برای کلمه «خیر».
- سوء برداشت در فهم آیه: بقره (۲) ۱۰۴ در بیان مقصود از «راعنا» و «انظرنا».
- حذف تأکید: بقره (۲) ۴.

◆ نتیجه‌گیری

در مجموع، مترجم کاری علمی، پر زحمت و همراه با دقت انجام داده است. به علاوه روش علمی او در صحت و استحکام ترجمه نقش مهمی دارد، ولی ترجمه او از آیات فقهی و کلامی، خالی از نقص نیست. این بدان سبب است که این دو رشته علمی که از علوم اسلامی به شمار می‌روند، در شناخت مفاهیم قرآنی و بالاخره در ترجمه قرآن نقشی بسزا دارند؛ از این رو به طور کلی می‌توان گفت که آن بخش از اصول و مبانی ترجمه قرآن که علمی و کاربردی است، در این ترجمه به طور نسبی رعایت شده، ولی آنچه به سطح دانش فقهی و کلامی این مترجم غیر مسلمان مربوط می‌شود موجب بروز کاستی در ترجمه وی گردیده است.